



ورزش اردبیل

بلا ۷۹۰ - ۷۹۰ - ۷۹۰ - ۷۹۰ - ۷۹۰ - ۷۹۰ - ۷۹۰ - ۷۹۰ - ۷۹۰ - ۷۹۰

سال سوم شماره ۴۸

شنبه ۲ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۶

۲۴ رجب ۱۴۳۸ - ۲۳ آوریل ۲۰۱۷

قیمت

NOL3-NO38-22Apr-2017

ایران در اندیشه

دومین قهرمانی والیبال امید های آسیا

اردبیل به فکر میزبانی موفق و به یاد ماندنی



اعتصاب بازیکنان و مقایسه استقلال خوزستان و شهرداری اردبیل



مسئولیت جزایی مدیران در ورزش



فضول باشی ورزش و بیگ های قلابی

عروسک های کوک شده در ورزش

دلنوشته

خانه انوری کجا باشد؟

توپ های ورزشی بتا

BETA SPORT BALLS

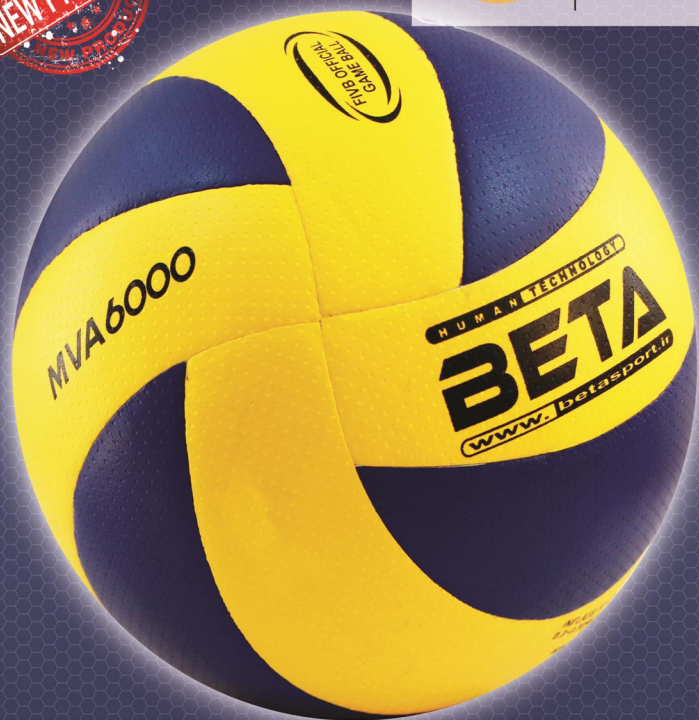
تولید کننده بهترین توپ های
والیبال چرم با آخرین
استانداردهای روز دنیا

BETA®

BELIEVE POWER



BETA®
BELIEVE POWER



بزرگترین تولید کننده انواع توپ های ورزشی
چرمی و لاستیکی استاندارد در ایران

www.betasport.ir

عروسک های کوک شده در ورزش

پدری فرزند را که عازم مجلسی بود آموخت که در آن مقام، بالا بالا باید نشست و سخنان بزرگان باید گفت تا همگان بدانند که از خاندانی معتبر است و تحصیل و تربیتی شایسته یافته.

چون باز آمد و پدر جوپای حال شد گفت: خاطر آسوده دار که همگان را انگشت بر دهان به جای نهادم. نخست آن که بر سر طاقچه نشستم، دیگر این که جز از شتر و فیل و کرگدن سخن به میان نیاوردم!

حالا در ورزش و فوتبال ما نیز هستند کسانی که بزرگی خود را در حمله به دیگران و در حرف زدن از هر دری جستجو می کنند. آنهایی که تا دیروز برای گذران زندگی با انواع نامالیقات دست به گریبان بودند اینک با حمایت برخی ها خود را صاحب جلال و جبروت می پندارند و می اندیشند که اگر افراد موجه و شناخته شده را با حرف ها و نوشته های خود مورد حمله قرار بدهند می توانند بزرگ شوند و در ورزش و فوتبال برای خود جایگاهی دست و پا بکنند.

این ها هر چند که چند روزی می توانند با رفتارهای غلط و سؤال برانگیز نام خود را بر سر زبان ها بیندازند و به مانند غلامانی حلقه به گوش در خدمت اربابان قرار بگیرند ولی عمر بزرگی آنها چون حبابی بر روی آب بوده و با گذشت اندک زمانی از بین رفتنی است.

کسانی که می خواهند فقط باشند و دیده بشوند نمی توانند قابل اعتماد باشند. چرا که آنها حاضرند هر طور که منافعشان ایجاب کند، حرف بزنند و بر اساس نفع شخصی و یا به دستور اربابان این را بگویند و آن را مدح کنند و ثنا گویند.

گاهی آنچنان القابی را در ارتباط با برخی افراد به کار می برند که اگر انسان آنها را نشناسد و فقط بر گفته این متملق ها توجه بکند فکر می کند که با نابغه های ورزش و فوتبال مواجه هستند

این ها عروسک های کوک شده ای هستند که حاضرند برای رسیدن به هدف همه را از دم تیغ بگذرانند و باکی از این کار هم ندارند.

باید بدانیم که دنیا ارزش آن را ندارد که انسان برای چند روز موقعیت اصول اخلاقی را زیر پا بگذارد و بدون توجه به پیشینه و گذشته ای که در ورزش این منطقه رخ داده است برای پیمودن راهی غلط و دردسر آفرین پافشاری کند. باید اهل عبرت و درس آموزی از فراز و نشیب های روزگار باشیم و خود را به مفت نفروسیم و آلت دست نشویم

هر که نامخت از گذشت روزگار

هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار

بهره برداری شخصی، باندی و حزبی از ورزش ممنوع

ورزش ابزاری برای رسیدن به اهداف متعالی است. ورزش وسیله ای است که باید در خدمت اهداف اجتماعی قرار بگیرد. اگر از این ابزار و وسیله به درستی و در راستای اهداف پیش بینی شده استفاده شود و در مسیری سالم، پاک و به دور از هر گونه پلشتی و بی بند و باری گام برداشته شود، رسیدن و دستیابی به اهداف ممکن و آسان می شود. ورزش با ویژگی های منحصر به فرد و با اثرات مثبت و خدمات مفیدش در حوزه های مختلف اجتماعی نباید در خدمت منافع شخصی، باندی، گروهی و حزبی قرار بگیرد.

اگر علاقه مند به ورزش و معتقد به اثرات مثبت آن در جامعه هستیم باید طرفدار استفاده صحیح و اصولی از آن باشیم. استفاده درست از ورزش می تواند در تاثیر گذاری مثبت و قابل توجه آن نقش اساسی و تعیین کننده داشته باشد.

ورزشی ها و کسانی که به درستی و در عمل، عاشق ورزش بوده و استفاده از آن را فقط در جهت رسیدن به اهداف متعالی می دانند نباید اجازه سوء استفاده از این ابزار مهم و اجتماعی را بدهند. متأسفانه در مقاطعی عده ای که بودن در کنار ورزش را فقط برای تامین منافع شخصی و باندی می دانند دامنه فعالیت خود را گسترده می کنند تا بتوانند از این روش به آنچه که در برنامه کاری خود گنجانده اند دست پیدا بکنند.

این قبیل افراد هر چند که سنگ ورزش را به سینه می زنند و برای نشان دادن عشق و علاقه ظاهری با استفاده از هزاران ترفند و روش از دیگران سبقت می گیرند تا بتوانند اعتماد ورزشی ها را جلب بکنند اما دیر یا زود مشمت آنها باز شدنی است و چهره پلید، زشت و منفعت طلبانه آنها رو شدنی بوده و آن وقت است که آنها سیلی محکمی از ورزش و جامعه ورزش می خورند. سیلی که می تواند برای همیشه پرونده حیات اجتماعی آنها را مختومه کرده و این بی هنرهای از خود راضی و متکبر را به عنصری بی آبرو و منزوی تبدیل نماید.

ورزشی ها و کسانی که صادقانه در دنیای ورزش بوده اند و هستند و هیچوقت از ورزش برای خود کیسه ای جهت مال اندوزی و کسب نام و نشان ندوخته اند باید از میدان داری افراد شناسنامه داری که جز بهره برداری منفی از ورزش هدف دیگری در سر نمی پروراند ممانعت و جلوگیری کنند. از میدان داری آنهایی که از ورزش وسیله ای ساخته اند برای رسیدن و دستیابی به اهداف غیر ورزشی، از اهداف مالی گرفته تا اهداف سیاسی و جناحی و تبلیغاتی.

باید بدانیم و ورزشی های صادق بدانند که این قبیل افراد در فکر رونق بخشیدن به ورزش، توسعه و گسترش و سربلندی آن نبوده و نیستند بلکه همان طوری که اشاره شد آنها ورزش را ابزار و طعمه ای برای اهداف شخصی، سیاسی و باندی خود می دانند و هر قدمی که بر میدارند و هر کاری را که انجام می دهند صرفاً برای رسیدن به اهداف پلید و شوم شان هستند و بس. آنها ورزش را واسطه و پلی برای رسیدن به اهداف منفی خود قرار می دهند.

این روزها که در آستانه انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا قرار داریم میدان عمل و ابزار وجود برای چنین افرادی فراهم شده است تا از فرصت به دست آمده برای رسیدن به آنچه که برنامه ریزی کرده اند نهایت بهره و استفاده را ببرند.

جامعه ورزش در این میان باید از اعتماد به این قبیل افراد خودداری نمایند و با دست ردی که به سینه می زنند آنها را در رسیدن به اهداف ناکام بگذارند و اجازه ابزار وجود و حرف زدن از طرف جامعه ورزش را به آنها ندهند.

یکی از مهم ترین و قابل توجه ترین بحث، برداشت های غلط برخی ها از جامعه ورزش و منتسب کردن آن به خود می باشد. از من خبرنگار گرفته تا آن تماشاگر روی سکو چنین می پنداریم که می توانیم از طرف ورزشی ها حرف بزنیم و خود را نماینده آنها قلمداد بکنیم. در حالی که جامعه ورزش طیف وسیعی از افراد جامعه را با سلاقی، افکار و اندیشه و برداشت های مختلف تحت پوشش دارد. وظیفه ما نه حرف زدن از طرف آنها و نه تعیین تکلیف برای آنها می باشد. اگر ما در حد بضاعت، توان و دایره وظایف و اختیاراتمان بخواهیم گام برداریم فقط می توانیم در بیان واقعیت ها و روشن کردن بعضی از نقاط کور موجود در ورزش و نیاز آن اقدام بکنیم.

فوتبال ورزش مرد هاست

چندی قبل در پاسخ به اقدامات نامناسب و خاله زکی برخی از مدعیان فوتبال، مطلبی تحت عنوان "فوتبال ورزش مردهاست" در نشریه به چاپ رسید.

برخی از دوستان به تیترا مطلب با نگاه جنسیتی نگرسته و ایرادی بر آن گرفته بودند. وقتی مطرح می شود که "فوتبال ورزش مردهاست" منظور این نیست که این رشته زیبا و پرتحرک اختصاص به آقایان دارد و بس، بلکه قصد و مراد از به کار بردن کلمه مرد یادآوری برخی از خصلت های مورد قبول جامعه و ویژگی های خوب و جامعه پسند است. به عبارتی دیگر مرد در این بحث در مقابل نامرد می باشد.

فوتبال باید عرصه فعالیت انسان های بزرگ، عاشق، صادق و بی ریا باشد. متأسفانه سال هاست که فوتبال کشور با سردمداری بعضی ها که به جانش افتاده اند از نظر اخلاقی و رفتاری به سرنوشتی بد دچار شده است که بازگرداندن آن به حالت اولیه و به دنیایی که در آن صداقت و مردانگی و جوانمردی حرف اول را بزند بسیار مشکل و تقریباً غیر ممکن شده است.

فوتبال استان و شهر ما و وضعیت و جو حاکم بر آن نمی تواند جدای از موقعیت فوتبال در سطح کشور باشد. در فوتبال ما نیز تازه از راه رسیده هایی که می خواهند راه صد ساله را یک شبه طی بکنند با پناه بردن به بعضی از خصلت های ناجوانمردانه، چند سالی است بی رحمانه، آگاهانه و ناآگاهانه به جان فوتبال ما افتاده اند و آن را از مسیر اصلی خود منحرف کرده اند.

اینها که متأسفانه برخی از افراد به ظاهر موجه را نیز در خود حل کرده و هم صدا و هم گام با خود کرده اند مروج ادبیات ناشایست و مخرب و خودخواهانه و غیر مؤدبانه شده اند. آنها با ادبیات مسخره و خاله زکی و مخرب و تحقیر کننده سعی می کنند آنچه را که به نفع خود، دوستان و اربابانشان است بر زبان آورند و فضای ورزش و فوتبال را همیشه در حال طرفداری از اربابان خود نگاه دارند.

آنها نقاب بر چهره زده و برای دو روز دنیا بر دین و ایمان و آخرت خود چوب حراج می زنند. هر چه تلاش کنند و بخواهند شبکه نامردی تشکیل داده را گسترش بدهند، در نهایت نمی توانند راه به جایی ببرند، چرا که در این عرصه مهم، قضاوت با مردم است و مهم واقعیتی است که با دست زدن به انواع حيله ها و تزویر ها نمی توان آنها را انکار کرد و یا برای همیشه بر روی آنها سرپوش گذاشت.

با گذشت اندک زمان، مردم پی به ماهیت خیلی ها که خود فروخته اند و وسیله ای برای ادامه حیات سرشار از نامردی و ناجوانمردی دیگران شده اند، پی می برند و جز رسوایی و بدنامی بهره دیگری نمی توانند از نقش خود برداشت نمایند.

تعجب از کسانی است که علی رغم داشتن وجهه ای قابل قبول و عملکردی مناسب در سال های نه چندان دور، خواسته و یا ناخواسته در دام چنین کسانی گرفتار شده اند. ممکن است این قبیل افراد در اصل نخواهند برای آنها یاری رسان باشند ولی با قرار گرفتن در دام تزویر ناخواسته تبدیل به عنصری برای کمک به اهداف جمعی دشمن و خائن ورزش و فوتبال می شوند و رفته رفته کارنامه خوب سال های گذشته را لکه دار و فراموش شدنی می کنند.

پس فوتبال را با آنهمه ویژگی های منحصر به فرد و جایگاه خاص آن در بین نسل جوان می توان ورزش مرد ها نامید. ورزشی که باید علاقه مندان، طرفداران و ورزشکاران آن در فکر گسترش و حاکمیت رفتارهای انسانی، اخلاقی و مخلصانه باشند.

فضول باشی ورزش و بیگ های قلابی

فضول باشی را بعد از مدت ها که موفق به زیارتش نشده بودم سرحال دیدم و خدا را شکر کردم. آخه هر وقت که او به من بخندد و خوب تحویلیم بگیرد آن روز بهترین و زیباترین روز من خواهد بود. این بار نیز او میزبان میزبان بود و زود سر صحبت را باز کرد و گفت: می خواهم داستانی به تو بگویم و از آن نتیجه گیری بکنم اگر حوصله اش را داری بگو تا من شروع کنم.

گفتم عزیز دل برادر مگر میشه انسان، شیرینی هم صحبت شدن با تو را با چیز دیگری عوض بکنه من سراپا گوش خواهم بود. گفت: شخصی تازه به دوران رسیده مدام می کوشید پا جای پای بیگ ها و اشراف زادگان بگذارد و در رفتار و کردار خود از ایشان تقلید کند. روزی همچنان که با افاده ی تمام گردن گرفته و دست بر کمر زده از کویی می گذشت به چاله ی پر کثافتی فرو رفت. اطرافیان دویده طنابی آوردند! اما او همچنان دست بر کمر ایستاده بود و به گرفتن سر طناب رضایت نمی داد که میادا با برداشتن دست از کمر گاه از بیگی بیفتد و این داستان بیشتر در مورد کسانی به کار می رود که علی رغم ناکامی و تیره بختی و نا توانی دست از تکبر و خودنمایی بر نداشته و قدرت و توان و ظرفیت قبول واقعیت ها را نیز ندارند.

گفتم منظورت از این داستان سرایی چیست و در مورد چه کس یا چه کسانی می خواهی حرف بزنی؟

گفت ببین من را با هیچکس دشمنی نیست و بدون دلیل و مدرک هم بر علیه کسی حرف نمی زنم. ناگفته پیداست، عده ای عادت دارند همیشه از حرف حق برنجند و گوینده اش را خائن و نادان و ناآگاه و مغرض و از این دست افراد بدانند ولی به راستی که این داستان را می توان در شائن و مرتبت برخی از دست اندرکاران ورزش و از جمله فوتبال وارد دانست که نمی خواهند از بیگ بودن خود دست بردارند و تن به واقعیت های موجود بدهند.

به فضول باشی گفتم جان هر کسی که دوست داری از فوتبال حرف نزن. حالا فردا باز این دبیرش در فضای مجازی می آید و می گوید که فضول باشی را هم خیلی وقت است می شناسم و آن گاه به تو بی حرمتی می کنند ول کن بابا تو هم حوصله داری.

گفت بزار بگویم، مگه ایرادی داره که من را بشناسه، خوب من هم او را و دیگر دوستانش را می شناسم، ماشاله و انشاله را هم شناسم، نگران بیانیه نباش ولی بشنو چرا این را گفتم. مدت هاست که می گویم در پنج سال گذشته مجمع هیات فوتبال استان به طور قانونی برای یک بار هم که شده تشکیل نیافته و بنابر این بر اساس اساسنامه کلیه اقدامات آنها در طول این سال ها قانونی نبوده است. حالا به جای این که این واقعیت را به پذیرند گاهها مدعی می شوند که تشکیل یافته است.

در مقابل این ادعا می گویم قربان قد و بالای شما و همت فرهاد و قدرت کلنگ و بیل شما در کندن بیستون و از بین بردن مشکلات فوتبال برویم آیا می شود که آدرس این مجامع برگزار شده از جمله تاریخ و محل تشکیل و روسای مجمع و در نهایت صورت جلسه های تنظیمی را اعلام کنید و جهت اطلاع افکار عمومی آنها را منتشر به فرمایید تا فضول هایی چون من نتوانند سخن های این چنینی را بر زبان آورند.

گفتم فضول باشی فکر کنم بهتر است که تو را زود زود ملاقات نکنم چرا که برخی وقت ها بدون در نظر گرفتن اوضاع زمانی و مکانی حرف هایی می زنی که ممکن است برای من دردسر ساز شود. ول کن بابا وقتی می گویند تشکیل شده بگو تشکیل شده تا مورد عنایت قرار بگیری و عزیز سلطان بشوی.

صفر سهم استان اردبیل

از اردوی تیم ملی فوتبال نوجوانان



این ارتباط مؤثر باشد؟ و دهها سؤال دیگر که پیدا کردن جواب مؤثر برای آنها شاید بتواند گرهی از مشکلات موجود فوتبال پایه های اردبیل را باز بکند. اسامی دعوت شدگان به اردوی تدارکاتی تیم ملی نوجوانان:

عارف محمد علی پور- امیر حسین اسماعیل زاده- الهیار صیاد منش از مازندران
 علی باقری- امیر حسین علیزاده از کرمان
 طاها شریعتی- پوریا بالی لاشک-علیرضا اسد آبادی- امیر حسین حسین پور و امیر حسین حسین زاده از تهران
 امیر جانی پور از کهگیلویه و بویر احمد
 علیرضا کوشکی از اصفهان
 محمد شریفی- احمدرضا جلالی-محمد رضا غبیشاوی- علی ستاوی و علی غلام زاده از خوزستان
 علی داوران- سبحان خاقانی- تانیور باشقره- امیر علی علیزاده از خراسان رضوی
 محمد قادری از هرمزگان
 مبین عشایر- امیر شیرچی- رامتین قایقران از گیلان

را ببینیم . متأسفانه هر چند در آمار دادن ها به نوعی می خواهیم سبقت بگیریم و با حاشیه سازی، برتری خود را اعلام بکنیم ولی می بینیم که در اردوی تیم ملی نوجوانان از داشتن یک سهم نیز محروم هستیم .

آیا استعداد فوتبال اردبیل و داشته ها و سرمایه آن در حدی است که نتواند حتی یک سهم از ۲۵ سهم تیم ملی نوجوانان را به خود اختصاص بدهد؟ آیا فوتبال اردبیل لیاقت و توان و قدرت آن را ندارد که نوجوانانش را در اردوهای تیم ملی پایه ببیند و با موفقیت آنها فریاد شادی سر دهد؟ اگر فوتبال اردبیل دارای زمینه برای موفقیت در عرصه های مختلف نبوده و نیست پس چرا در سال های نه چندان دور تیم های ملی پایه و جوانان در ید قدرت فرزندان دلاور و با استعداد این منطقه بودند؟ اشکال کار کجاست و کار از کجا ایراد دارد؟

در این میان دست اندرکاران و گردانندگان فوتبال استان و شهرستان ها چه وظیفه ای دارند؟ نقش آنها در حاکم شدن وضعیت موجود چیست؟ آیا نگاه اقتصادی و درآمد زا به مدارس فوتبال می تواند در

از سوی سرمربی تیم ملی نوجوانان ۲۵ بازیکن به اردوی تدارکاتی تیم ملی دعوت شدند.

عباس چمنیان این ۲۵ بازیکن را از ۹ استان انتخاب و برای حضور در اردو فرا خوانده است..

نگاهی کوتاه به اسامی دعوت شدگان مشخص می کند که سهم اردبیل از این اردو صفر بوده و علی رغم تلاش هایی که از سوی برخی از مربیان زحمتکش پایه در باشگاه ها انجام می شود، همچنان دست فوتبال اردبیل از رسیدن به پیراهن تیم های ملی در سطوح پایه کوتاه مانده است.

فوتبال ما چرا نمی تواند در سطوح پایه در رقابت های کشوری خوش به درخشند و چرا بازیکنان نوجوان این استان علیرغم شایستگی و بهره بردن از مهارت های فردی نمی توانند نظر مساعد مربیان تیم ملی را جلب بکنند؟

بار ها اشاره کرده ایم که شعار دادن و حرف زدن و خودمان را برتر تلقی کردن و در آسمان های موفقیت سیر کردن و در رویا خود را برتر و بزرگ تر قلمداد کردن آسان است اما مهم میدان عمل است که باید حاصل دسترنج خود و نتیجه ادعاهای خود

مسئولیت جزایی مدیران در ورزش

رسول ارشادی فرد دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی
علیرضا سوری کارشناس ارشد تربیت بدنی

مسئولیت جزایی مدیران در ورزش:

مدیریت عبارت از هماهنگی نیروی انسانی و مادی در جهت رسیدن اهداف از پیش تعیین شده. آنچه در ورزش مورد نظرمی باشد وظیفه حفاظت و تأدیب و سازماندهی مدیر است و اصطلاح مدیر به معنی عام می باشد و تمامی کسانی که دست انداز کار امور ورزشی می باشند شامل می گردد. مانند: مدیران ورزشگاهها، مدیران هیئت ها، مدیران فنی ورزشهای مختلف، سرپرستان، مربیان، معلمان ورزش و داوران.

مسئولیت جزایی مدیران ورزشی:

مدیریت عبارت است از هماهنگ کردن نیروی انسانی و مادی برای نیل به هدف در حقیقت می توان مدیریت را هم علم و هم هنر دانست. مدیر در محیط ورزشی چه در باب نظارت و رهبری بر نیروی انسانی و چه ناظر بر تاسیسات و امکانات و تجهیزات اگر در انجام وظایف خود قصور کند مجرم شناخته خواهد شد. آنچه در حقوق ورزشی در باب مدیریت بحث خواهد شد بازدهی و کارایی در تولید و توانایی در رقابت با سایر سازمانها نمی باشد بلکه وظیفه حراست و تأدیب و سازماندهی در ارگانهای ورزشی می باشد که بعدها مدیران ادارات، مدیران ورزشگاهها و سرپرستان و... میباشند.

اختیارات قانونی مدیران ورزشی در تنبیه ورزشکاران:

آیا مدیران و دست اندرکاران ورزش قادر به تنبیه ورزشکاران هستند؟ مکرراً از سوی وزارت و ادارات آموزش و پرورش به منع تنبیه بدنی در مدارس تاکید شده علی رغم این ممنوعیت قانونا مربیان و سرپرستان اختیار قانونی

تأدیب و حفاظت علت و یا انگیزه های است که قانونگذار آنها را در توجیه جرم نبودن اقدامات سرپرست به قید تعیین نموده است و به عبارت دیگر هیچ دلیل دیگری را برای تنبیه



طفل نمی پذیرد. الف- تأدیب به معنای ادب نمودن است و چهارچوب مشخصی ندارد و در نزد فرهنگ های مختلف متفاوت است. مفهوم تأدیب نزد معلمان و مربیان و ورزشکاران متفاوت است

الف- تأدیب به معنای ادب نمودن است و چهارچوب مشخصی ندارد و در نزد فرهنگ های مختلف متفاوت است مفهوم تأدیب نزد معلمان و مربیان و ورزشکاران متفاوت است.

ب- حفاظت یا نگهداری و یا مراقبت نیز نزد دیگر منظورهایی است که ریالاننگدار در توجیه اقدام علیه اطفال ذکر کرده است.

ح- حدود اختیارات تنبیه اطفال مختلف:

ضابطه و ملاک برای تعیین حدود این اقدامات و نظایر مجرمانه آنها که علیه کودکان در محیط های ورزش بعمل می آید تشخیص معلم ورزش یا مربی است؟ و یا قدرت جسمی و روحی طفل؟ و یا بر اساس شدت و ضعف تخلف ورزشکار؟

اینکه در حدود متعارف تأدیب و محافظت باشد. قاضی در شرایط قضاوت تجسم می کند که اگر به جای مربی مذکور یک مربی با عقل، شعور و فهم متعارف یعنی کسی که نماینده و مظهر اخلاق و رسوم اجتماعی است می بود، آیا مرتکب چنین اقدامی می شد یا نه؟

اصولی که یک مربی متعارف باید در هنگام تنبیه رعایت کند:

۱- تذکر، توصیه و نصیحت نتیجه نداشته باشد.

۲- اقدام متناسب با فرهنگ کودک

۳- تنبیه با توان جسمی و روحی کودک نا مناسب نباشد.

۴- تنبیه بل تخلف ارتکابی و یا خطرانی که احتمال وقوع آن قابل پیش بینی است مطابقت داشته باشد

اقداماتی که در تنبیه متعارف محسوب نمی گردد:

الف- فحاشی و توهین های ناهنجار

ب- ایراد ضرب و جرح بر طفل به نحوی که آثار آن بر بدن طفل بماند.

ج- محبوس نمودن کودک در فضایی ترسناک و تاریک

بقیه از صفحه ۵

از نظر قانون گذار عدم کمک به مصدوم عملی غیرانسانی و غیرمسئولانه می باشد و این بی تفاوتی به مسئولیت انسانی شخص رامجرم می شناسد.

علت مطرح شدن این مسئله در حقوق ورزش:

۱- رسالت ورزش و هدف والای آن
۲- جدایی ناپذیر بودن فعالیت های ورزشی با حوادث و سوانح می باشد.

در قانون داریم که هرکس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیت دار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون اینکه با این اقدام خطری جدی متوجه خود او و دیگران شود این عمل ۱ تا ۳ سال و یا جزای نقدی خواهد داشت.

که دو حالت دارد:

شخص در معرض خطر جانی باشد وضعیت می که امکان مرگ قابل پیش بینی است.

حادثه های در شرف وقوع خطر مرگ قابل پیش بینی است و باید از وقوع آن جلوگیری کرد و نه اینکه به انتظار وقوع حادثه بود.

شرایطی که نیاز به کمک به مصدوم وجود ندارد:

۱- در صورتی که کمک به مصدوم منجر به آسیب شخص کمک کننده منجر گردد.

۲- افرادی که قبلاً به مساعدت و کمک شتافتند که تخصص و تجربه کافی دارند.

۳- در شرایطی که حضور ما به عنوان کمک به مصدوم موجبات خطرات بیشتر برای او گردد.

قانون گذار برای دو گروه از اشخاص که ا کمک به مصدوم ممانعت کردند:

۱- کسانی که به اقتضای حرفه خود می توانسته اند کمک موثری بنمایند و بدلیل نداشتن سمت و وظیفه از کمک به مصدوم جلوگیری کردند مانند مدیران ورزش که دارای تخصص

کمک می اولیه هستند. مانند پزشکی که برای تماشای یک مسابقه حضور داشته و متوجه عدم حضور پزشک در تیم مقابل می گردد. با این حال از کمک به مصدوم ممانعت می کند.

۲- کلیه کسانی که با داشتن سمت و وظیفه گذراندن دوره های تخصصی مناسب از کمک به مصدوم خودداری می کنند.

تعریف مسئولیت مدنی و مبنای آن:

به موجب ماده اول این قانون، هرکس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود. مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود.

ارکان مسئولیت مدنی:

الف- وجود ضرر از نظر حقوق عبارت است از:

۱- صدمه جانی به خود و دیگران خواه به صورت ضرب و جرح خواه بصورت قتل مانند مصدوم نمودن ورزشکار توسط حریف در نتیجه یک خطا و یا سقوط طفل ورزشکار از بارفیکس به دلیل بی احتیاطی مربی

۲- تجاوز به حیثیت دیگران و لطمه زدن به حیثیت شخص

۳- تعرض به ناموس دیگران

۴- اتلاف و ناقص کردن اموال خود و دیگران و تجاوز به مال

ب- انجام فعل یا خود داری از عمل برخلاف قانون: صرف ضرر رساندن موجب مسئول دانستن عامل نمی باشد بلکه این عمل باید برخلاف قانون نیز باشد و در قانون مجازاتی برای آن تعیین شده باشد

ج- مرتکب باید مقصر باشد: هرکس بدون مجوز قانونی عمدا یا در نتیجه بی احتیاطی به جان و... بنابراین امکان عمدی یا غیر عمدی بودن آن عمل نیز هست. منظور از عمدی بودن این است که شخص با سوء نیت اقدام به عملی خاص نموده برعکس در غیر

عمد بدلیل مسامحه و بی احتیاطی صورت می گیرد.

عمدی یا غیر عمدی بودن تاثیری ندارد در مجرم بودن و ملزم به جبران خسارت خواهد بود. جبران خسارت زیان دیده به دو صورت انجام می گیرد

۱- برگرداندن وضع او به صورت قبلی بطوری که انگار اصلا زیانی صورت نگرفته است

رعایت مسائل ایمنی است. و مدیران اولین کسانی هستند که رعایت توصیه های زیر الزامی است.

۱- جایگاه های تماشاگران باید از نظر ساختمانی ایمن و خطر ریزش نداشته باشد.

۲- تاسیسات برق باید دور از دسترس تماشاچیان باشد.

۳- درمانگاههای مجهز و متناسب با ظرفیت مجموعه



۴- اطمینان از صلاحیت اخلاقی کسانی که در ورزشگاه اشتغال دارند و با ورزشکاران و تماشاچیان در ارتباط هستند.

۵- بدون حضور مربی از پذیرش ورزشکار جلوگیری نمایند بعد از اتمام تمرین نیز نباید از مربی بمانند.

۶- جلوگیری از ورود تماشاگر پیش از ظرفیت و همیشه ده درصد کمتر از ظرفیت واقعی

۷- در حواصل جایگاه تماشاگران و زمین موانع فیزیکی باشد.

۸- هنگام تخلیه ورزشگاه از دربهای خروجی استفاده کنند.

۹- در مسابقاتی که خطر از دحام جمعیت وجود دارد کتبا از مذاجع انتظامی درخواست کمک

شود. در صورتی که ابعاد وسیع تری قابل پیش بینی است باید از طریق اداره تربیت بدنی در شورای تامین

(شهرستان مطرح گردد. اداره مجریه کپسول آتش نشانی و اطفای حریق باشد.

منبع:

دکلمه نوشته

خانه انوری کجا باشد؟

ورزش اردبیل حال و هوای خاص خودش را دارد. همه به نوعی، بودن در ورزش را می خواهند وسیله ای برای رسیدن به برخی از اهداف قرار بدهند. می خواهند در کنار خدمت به ورزش به خود نیز خدمت بکنند و مزد تلاش ها، دوندگی ها و زحمات را بگیرند و برای آینده شان فکر بکنند.

مدیریت در ورزش تفاوت های عمده ای با مدیریت در دیگر نهادها و ارگان ها دارد. کل جامعه را می توان تحت پوشش وزارت ورزش و در استان ها تحت پوشش ادارات کل به شمار آورد. ورزش از آن جمله مقوله هایی است که با افراد مختلف و با ویژگی ها و خصوصیات متفاوت سر و کار دارد و بنابراین مدیریت در آن و راضی نگاه داشتن همه کاری مشکل و تقریباً غیر ممکن است.

به این علت است که وقتی برای ورزش مدیر جدیدی انتخاب و شروع به کار می کند از فردایش مخالفانش اعلام موجودیت می کنند و مدعی می شوند که همین امروز و فردا خداحافظی مدیر از صندلی پر ابهت و پر حاشیه ورزش حتمی است. آنها چنان در مخالفت مصمم نشان می دهند که حتی برای مدیری که عرقش خشک نشده جانشین معرفی می کنند و برای مطرح کردن نامزد خودشان رایزنی ها انجام می دهند.

مدیر تازه منصوب شده هم اگر سابقه مدیریت نداشته و با زیر و بم حکومت در ورزش آشنایی نداشته باشد به زودی قافیه را می بازد و در هر اقدام و رفتار و عملکردش آثاری از بیم و هراس مشاهده می شود.

مدیریت در ورزش کار بسیار سخت و طاقت فرسایی است. علی رغم مشکلاتی که یک مدیر ورزش می تواند با آنها روبرو شود و روزگار سختی را بگذراند اما علاقه مندان برای جلوس بر روی این صندلی خیلی زیاد است و می شناسیم کسانی را که سال هاست آرزوی بالا رفتن از پله های اداره کل با عنوان مدیر کلی را دارند. این افراد برای این که بتوانند به آرزوی خودشان برسند در هر انتخاباتی از مجلس شورای

اسلامی فعالیت در ستادی را انتخاب می کنند تا شاید از این راه بتوانند کاری انجام دهند که تاکنون موفق نشده اند ولی از عشق و علاقه این ناکام های همیشگی به مدیریت ورزش استان تاکنون ذره ای کاسته نشده است.

بعد از هر انتخابات مجلس شورای اسلامی مانور در اطراف مدیریت ورزش و جوانان افزایش پیدا می کند. اطرافیان هر یک از منتخبان به نوعی خود را محق برای رسیدن به این پست می دانند و با غرور ناشی از انتخاب نامزدشان می خواهند برای ورزش استان خط مشی تعیین کرده و خودی نشان بدهند. این که گفتیم عده ای برای معرفی نامزد اقدام می کنند کار را خیلی پیچیده می کند چرا که نامزدهای مدیر کلی با مانور این افراد عنان اختیار از دست می دهند و ناخواسته حداقل در رویا خود را مدیر می بینند و هر از گاهی هم رایزنی کرده و برای جلب نظر برخی ها اقدام می کنند.

مدیر هم در این حال و احوال در میدانی قرار می گیرد که از هر سو آماج حملات است. تیرهای مختلفی از سوی دوست، دشمن، خودی و غیر خودی به سویش پرتاب می شود و او بالاجبار در جبهه های مختلفی به مقاومت، ایستادگی، دفع حملات و در نهایت انجام وظیفه می پردازد و این گونه عمل کردن و در تنگنا قرار گرفتن از در صد انرژی مدیر برای پرداختن به وظیفه اصلی اش می کاهد.

مخالفان با مدیریت مدیر ورزش حتی نمی توانند کارهای مثبت وی را ببینند و چون برای برچیدن بساط مدیریت تمایل دارند اعتقادی به کارایی مجموعه نداشته و هر شکست و ناکامی و ناملایمات را به پای وی می نویسند و می خواهند کارنامه اش را سیاه نشان بدهند.

این گونه رفتارها نه فقط برای امروز است بلکه از زمان استان شدن اردبیل این حکایت بوده و همچنان پابرجاست و گویا اراده ای برای تغییر این وضعیت و این نوع تفکر وجود ندارد.

در هیات های ورزشی هم کمتر اتفاق می افتد که ورزشکاران یک رشته یک دل و یک زبان باشند و انتقادی را متوجه دست اندرکاران مربوطه نکنند. این جا هم مشکل همیشگی حاکم است. اگر رئیسی برود و دیگری انتخاب بشود از فردا حرف و حدیث

ها در موردش شروع می شود. کسانی که تا دیروز برای رسیدن به هدفشان در مقابل رئیس کرنش می کردند فرصت خالی کردن عقده ها را پیدا می کنند و می گویند آنچه نباید بر زبان جاری بسازند. عده ای همیشه در بیرون گود هستند و به نحوی اجازه فعالیت به آنها داده نمی شود و یا انتظار و توقع بیرون مانده ها به حدی است که رئیس و دوستانش نمی توانند به خواسته هایشان تن بدهند و بنابراین همیشه یک جای کار می لنگد و مشکلات لاینحل باقی می ماند.

مطبوعات هم که در ورزش دنیای خودش را دارد. نبود آگهی و منبع درآمد برای تامین هزینه ها گاهی شرایطی را فراهم می آورد که مطبوعاتی ها به اصلاح کردن سر و صورت یکدیگر اقدام می کنند. در قدیم در گرمابه ها دلاکان موی سر مشتریان خود را نیز می تراشیدند، هنگامی که مشتری نبود و بی کار می شدند مشغول تراشیدن سر همدیگر می شدند. امروز نیز برخی از همکاران وقتی با کمبود سوژه، نبود آگهی و قلت تیراژ مواجه می شوند به تراشیدن سر یکدیگر می پردازند و ما چه خوب از این مهلکه خود را نجات دادیم و با الکترونیکی کردن نشریه اجازه تراشیدن سر بی موی خود را ندادیم.

حال از تک تک رشته ها حرفی به میان نمی آوریم. اما باید بپذیریم که هستند عزیزانی که برای مطرح کردن خود به ورزش و مدیریت برخی از رشته ها روی آورده اند و می خواهند از آنها سکویی برای پرتاب بسازند. این قبیل آقایان اگر به ورزش خدمت بکنند و برای پیشرفت رشته ها تلاش نمایند حالا اگر از کنار آن به نام و نشانی هم رسیدند ایرادی نخواهد داشت.

و اما بشنوید از حال و احوال ما که در این عرصه همیشه مقصریم. همواره مورد حمله قرار می گیریم، اگر کسی زورش به رئیس و مدیر و هیات و کانال و گروه مجازی و دبیر و خلاصه به هر چیزی که فکرش را بکنید، نرسد یقه مای بیچاره و درمانده را می گیرد و تا دل شما بخواهد ما را مورد نوازش، محبت، عنایت و بزرگواری خود قرار می دهد

راستی تا چه حد باید تاوان استقلال و حرف حساب زدن را بدهیم. هنوز هم که هنوز است بعد از گذشت بقیه در صفحه ۱۰

در پنجمین دیدار یاران جوان و جویای نام ایران اسلامی در مقابل تایوان صف آرایی کردند و این دیدار حساس و سنگین را ۳ بر ۲ بردند.

تیم ایران در این دیدار در حالی که دو بر صفر از حریف عقب بود با هوشیاری کادر فنی و آنالیزور تیم و تغییرات انجام یافته در ترکیب سه گیم متوالی به پیروزی رسید.

آخرین دیدار ایران در این رقابت ها در تاریخ سی ام اردیبهشت ماه ۹۴ در برابر تیم قدر و مدعی کره جنوبی انجام شد.

ایران با ترکیب پوریا فیاضی، جواد معنوی نژاد، جواد حسین آبادی، مصطفی باقری، امیر علی محمد فتحعلی محمد فلاح و رسول شهسواری در برابر تیم مدعی کره جنوبی صف آرایی کرد.

تیم ایران بازی بسیار خوب و با قدرتی را به نمایش گذاشت و تحت تاثیر فریاد های گوش خراش کره ای ها قرار نگرفت. در این دیدار رسول شهسواری خوب توپ گرفت و مصطفی باقری خوب پاس داد و پوریا فیاضی عالی سرویس دریافت و اسپک زد و جواد معنوی نژاد و جواد حسین آبادی در خط حمله پر فروغ ظاهر شدند تا ایران با کارنامه ای درخشان قهرمان بشود و نام خود را به عنوان اولین قهرمان این رقابت ها در تاریخ والیبال امید های آسیا ثبت نماید.

ایران برای دفاع از عنوان قهرمانی خود در دومین دوره رقابت ها در خانه و در شهر اردبیل از ۱۱ اردیبهشت ماه به میدان خواهد رفت.

در تیم ملی امید نسبت به دور اول خانه تکانی اساسی صورت گرفته است. پیمان اکبری جای خود را به خون سیچلو داده است تا این مربی نام آشنا به همراه تیم در اردبیل از عنوان قهرمانی دفاع نماید. در میانمار رضا ابراهیمی، سعید رضایی و مرتضی عهدی به عنوان مربی در کنار پیمان اکبری حضور داشتند ولی در اردبیل محمدرضا تندروان، محمدرضا دامغانی، علی فتاحی، جواد مهرگان و

ایران در اندیشه دومین قهرمانی والیبال امید های آسیا اردبیل به فکر میزبانی موفق و به یاد ماندنی



این رقابت ها از ۲۳ اردیبهشت ماه ۹۴ تا سی ام این ماه به طول انجامید.

تیم ایران در این دیدارها ابتدا تیم ملی هند را ۳ بر صفر شکست داد. دومین دیدار ایران در این رقابت ها با قطر انجام شد. قطری ها نیز به سرنوشت هندی ها دچار شدند. قطری ها که از چند بازیکن غیر بومی و بازیکنان صرب و کوبایی و آفریقایی برخوردار بودند در برابر نمایش عالی یاران ایران کاری از پیش نبردند. در ادامه این رقابت ها ایران تیم های فیلیپین و ژاپن را نیز با نتایج مشابه ۳ بر صفر شکست داد.

اولین دوره مسابقات والیبال پسران امید قهرمانی آسیا در اردیبهشت سال ۹۴ با حضور ۱۶ تیم در کشور میانمار برگزار شد.

در این رقابت ها تیم ملی جمهوری اسلامی ایران به سرمربی گری پیمان اکبری و با کاپیتانی چهره برتر این رقابت ها پوریا فیاضی به مقام قهرمانی رسید. در این رقابت ها تیم ایران با کسب ۶ پیروزی و بدون شکست بر سکوی اول آسیا تکیه زد. تیم های کره جنوبی، تایوان و چین به ترتیب دوم تا چهارم شدند و تیم های میانمار، ژاپن، هند و تایلند مکان های پنجم تا هشتم را به دست آوردند.





بقیه از صفحه ۸

قاسمی بدنساز و هانی فرخی آنالیزور و دکتر اکبر محمدی فرد فیزیوتراپ و اکبر عسگری ماساژور تیم بودند که در دومین دوره این مسؤولیت ها به ترتیب به عهده سید مهدی هاشمی، علی تاج الدین، بهزاد میرزایی و منوچهر جواهری محول شده است.

تیم ملی ایران برای کسب آمادگی هر چه بیشتر برای حضور مقتدرانه در رقابت ها در حال حاضر در اردوی تدارکاتی لهستان به سر می برد.

تکرار مقام قهرمانی و این بار در خانه برای تیم ملی جمهوری اسلامی ایران از اهمیت به سزایی برخوردار می باشد. در اول سال و به دنبال بازدید سرمربی تیم ملی از امکانات اردبیل اعلام شد که تیم ملی اردوی آمادگی را در اردبیل برپا خواهد کرد ولی به نظر می رسد آماده نشدن سالن رضازاده این امکان را فراهم نکرد و تیم برای قرار گرفتن در شرایط مسابقه به اردوی لهستان اعزام گردید.

با نظر سرمربی تیم در اردوی لهستان ۱۶ بازیکن

حضور دارند و مسلماً از این تعداد باید چهار بازیکن خط به خورند تا سیچلو ۱۲ بازیکن خود برای رقابت های آسیایی را معرفی بکند.

۱۶ بازیکن حاضر در اردوی لهستان عبارتند از: جواد کریمی، شایان حمودی و فردین قله قوند (پاسور)، امین اسماعیل نژاد و جابر اسماعیل پور (پشت خط زن)، سلیم چپرلی، سعید جواهری توانا، اسماعیل مسافر، امیرحسین اسفندیار و امین خداپرست (دریافت کننده)، رحمان تقی زاده، سهند اله وردیان، - علی اصغر مجرد و علی یوسف پور (سرعتی زن)، محمد دلیری و علی نودوزپور (لیبرو).

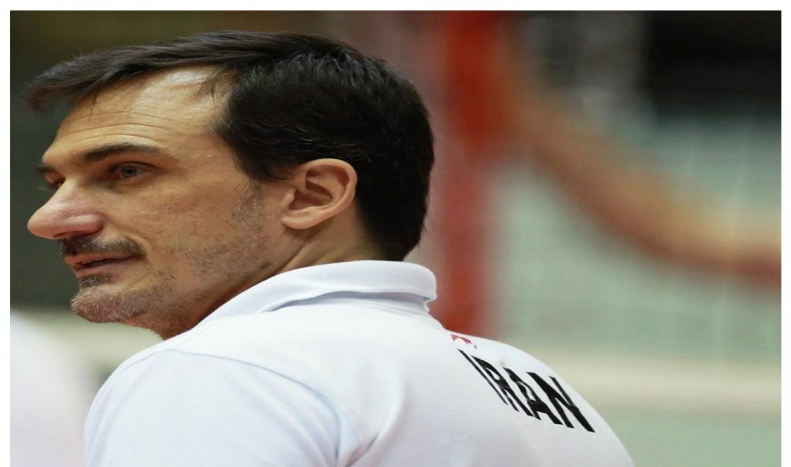
مردم اردبیل و دوستداران ورزش و علاقه مندانم به والیبال در این منطقه مصمم هستند که میزبان خوب و سرافرازی برای دومین دوره رقابت های والیبال امید های پسران آسیا باشند.

امکانات مورد نیاز برای این رقابت ها با حمایت مسؤولین اجرایی استان و بخصوص استاندار اردبیل فراهم شده است و تلاش ها در آخرین فاز انجام می

شود تا اردبیل بتواند در پایان رقابت ها ضمن کسب رضایت دست اندرکاران از میزبانی، دومین قهرمانی امید ها در آسیا را نیز شاهد باشد.

هر چند تعداد تیم های شرکت کننده در رقابت ها نسبت به دوره اول آن کاهش چشمگیری داشته و از ۱۶ تیم به ۱۱ تیم رسیده است ولی مسلمانان رقابت ها از کیفیت خوبی برخوردار خواهد بود و در طول برگزاری رقابت ها تماشاگران می توانند مسابقات زیبایی را شاهد باشند.

بازسازی و بهسازی دو مجموعه ورزشی تختی (سالن شهید آسمانی) و شش هزار نفری حسین رضازاده از برکات میزبانی اردبیل برای این رقابت ها می باشد. این مسابقات اگر به جز این دو مورد هیچ دستاورد دیگری برای اردبیل و استان نداشته باشد همین دو مورد برای ورزش اردبیل کافی است. در حال حاضر اردبیل می تواند ادعا بکند که صاحب دو مجموعه سرپوشیده ورزشی استاندارد برای میزبانی رقابت های مختلف می باشد.



نشریه الکترونیکی ورزش اردبیل
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
نادر پرستار

زیر نظر شورای نویسندگان
تلفن تماس: ۰۹۱۴۱۵۲۱۵۳۳
آدرس: شهرک سیلان فاز یک - هشتم جنوبی -
پلاک ۲۰۸



ورزش اردبیل



و بهایی راضی به دل کندن از تیم نبودند فریاد های تماشاگران و التماس آنها راه به جایی نبرد و برای یک بار هم نشد که استاندار اردبیل در مورد تیم و عشق هواداران اظهار نظر بکند و راه چاره ای برای نجات آن پیشنهاد نماید.

این سؤال بزرگ و بی جواب در نزد تماشاگران فوتبال اردبیل است که چرا استاندار نخواست در نجات تیم از دامی که برای آن گسترده بودند اقدامی حتی در حرف و اظهار نظر به عمل آورد؟ امیدواریم برای ما روزی این امکان فراهم شود تا بتوانیم این سؤال را از مجید خدابخش بکنیم و جواب آن را دریافت کرده و جهت اطلاع فوتبالی ها منتشر بکنیم.

استاندار خوزستان چیزی بالاتر از استاندار ما که ندارد قانون هم که در همه جای ایران سربلند یکسان و برای همه لازم الاجرا می باشد حال چرا در خوزستان می شود به فوتبال و تیم باشگاهی کمک کرد ولی در اردبیل این امر امکان پذیر نمی شود جوابش را باید آنهایی بدهند که مدام از ممنوعیت شهرداری برای تیم داری سخن گفتند و زمینه نابودی تیم را فراهم کردند.

ایم و در این میان اهمیتی هم به اظهار نظر های آیکی نمکی دهیم. در هر صورت به عقیده آنهایی که تیشه به ریشه ورزش استان زده اند عامل نابودی، عقب گرد و درماندگی ورزش و فوتبال به جز ما کس دیگری نبوده و نیست!!!

شاعر بزرگ ایران زمین انوری چه خوب گفته است:

هر بلایی کز آسمان آید
گر چه بر دیگری قضا باشد
به زمین تا رسید می پرسد
خانه انوری کجا باشد؟

اعتصاب بازیکنان

و مقایسه استقلال خوزستان و شهرداری اردبیل

به قول استاندار در تمرینات حضور یافتند و از ایجاد حاشیه بیشتر در تیم جلوگیری کردند. پخش این خبر که به طور گسترده در رسانه های جمعی انجام پذیرفت برای ما دوستداران فوتبال و تیم شهرداری اردبیل دردآور و زجر آور بود. در سال گذشته وقتی نماینده فوتبال اردبیل در دریایی از غم و اندوه و محنت دست و پا می زد و به

در هفته ای که گذشت بازیکنان تیم فوتبال استقلال خوزستان به دلیل پرداخت نشدن مطالبات خود بر سر تمرینات حاضر نشدند. این اقدام بازیکنان، تیم بزرگی چون استقلال اهواز را که درگیر رقابت های لیگ برتر و جام باشگاه های آسیا می باشد در بلاتکلیفی قرار داد. هنوز ساعاتی از تصمیم اعضای تیم نگذشته بود که



دلیل مشکلات مالی بازیکنان و کادر فنی هر روز ساز تازه ای کوک می کردند و جمعی نیز بر سر مالکیت تیم دعوا راه انداخته و عده ای دیگر نیز به هر قیمت

استاندار خوزستان وارد عمل شد و با رایزنی های انجام یافته دستور صدور پرداخت بخشی از مطالبات بازیکنان را صادر کرد و بدینوسیله بازیکنان با توجه

دلنویسه

خانه انوری کجا باشد؟

بقیه از صفحه

نزدیک به یک سال نتوانستیم جوابی برای ادعای برخی از آقایان که نویسنده این سطور را در کنار مدیر کل ورزش و جوانان عامل نابودی فوتبال در سال های اخیر می دانستند پیدا بکنیم. نویسنده اش را نیز پیدا نکرده ایم تا دلایلش را بشنویم. شاید من، رئیس هیات فوتبال استان و یا دبیر قدر قدرت آن

بوده ام که در کنار مدیر کل ورزش و فوتبال استان را بیچاره کرده ام.

با جوی که این روزها بر ورزش ما حاکم است همه ما را دشمن ورزش و خودشان می دانند. عده ای ما را حامی مدیر ورزش و دشمن درجه یک گردانندگان فوتبال می دانند. والیبالی ها ما را از حامیان اداره کل ورزش و جوانان و آنها ما را از حمایت کنندگان رئیس هیات والیبال به حساب می آورند و ما بر این افتخار می کنیم که به سمت هیچ مسؤول و پر مدعا و دروغگو و بلندپرواز و خود محور و ... غش نمکرده ایم و استقلال خود را حفظ نموده